

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه - کابل

۱۴ نومبر ۲۰۱۹



قاضیانی که سیل می‌کنند

دیروز وقتی "انس حقانی" آزاد شد، تصادفاً سه قاضی محاکم ابتدائی، استیناف و عالی که او را به اعدام محکوم کرده بودند، در یک جلسه قضائی ویژه در استره محکمه دعوت شده بودند. در طول جلسه هر سه قاضی از سه کنج مجلس به سمت یکدیگر سیل می‌کردند. در وقفه جلسه، قاضی محکمه ابتدائی نزد قاضی استیناف رفت، دست او را گرفت، هردو بدون آن که چیزی بگویند به چشمان همدیگر سیل کردند. بعد قاضی استیناف دست قاضی ابتدائی را گرفت و باهم نزد قاضی عالی رفتند. هردو با قاضی کلان دست دادند و هر سه به سمت یکدیگر سیل کردند. قاضی کلان دست قاضی استیناف و استینافی دست قاضی ابتدائی را گرفته هر سه سیل کرده سیل کرده پیش کلکین رفتند. قاضی کلان به جاده اشاره کرد و گفت: "قاضی صاحباً اُنو بچه‌گکه که بیک کتاب‌های خوده کج پشت کده و پای خوده ده سرک مالیده میره خوب سیل کنین، از نظر جرم شناسی و تدابیر عدلی پیش‌گیرانه خودش یک کتاب اس."

استینافی گفت: "بلی صیب، نشانه‌های جرم از دور در وجنه این جانی احتمالی پیداس. بینی اش هم پاک نیس. کالایشه سیل‌کنین یک آستینش پاره و استین دیگی شام کشال. آدم سالم همیتو مکتب میره؟"
ابتدائی گفت: "باریک‌بینی و صداقت شما بزرگان همیشه برای مه درس بوده. مطمئن هستم که ای بچه آینده خطرناک داره. حتماً پدرش خس دزد اس و مادرشام احتمالاً از نفس پاک نیس."
قاضی عالی گفت: "باید خوب سیل کنین. چشمای خوده باز بگیرین."
استینافی گفت: "سیل می‌کنیم صیب. خوب سیل می‌کنیم."
ابتدائی آه کشید و گفت: "راستی هم که سیل کدن خودش یک دنیا اس."

قاضی عالی به سمت استینافی سیل کرد، بعد آهسته دست او را رها کرده رفت تا قبل از پایان وقفه جای بخورد .
استینافی به سمت ابتدائی سیل کرد و کمی آهسته‌تر دست ابتدائی را رها کرده رفت قبل از ختم وقفه وضو بگیرد .
ابتدائی که کسی نداشت تا سیل کند، به ساعتش چشم دوخت . بیست و پنج ثانیه به اذان مانده بود. دوید، در گوشه
سالون ایستاد و آذان داد.
اعضای جلسه جای و قصه و چرت خود را رها کردند و قبل از آن که برای نماز صف شوند، به سمت مؤذن،
قاضی محکمۀ ابتدائیه، سیل کردند.